

نجات از خانه سیاه با کمک همسایه ها

صدیقی – زندگی زن جوان با بی مهری شوهرش در سراسیمبی سقوط قرار گرفت. زن جوان خواست با ازدواج با مردی که هم سن پدرش بود حداقل از مضیقۀ مالی و کارگری مردم خلاص شود اما این سربازی بیش نبود. به جای حمایت مدام از سوی شوهرش مورد آزار و اذیت قرار می گرفت و زندگی اش مثل بدنش سیاه و گیود شده بود. صبح اش را با ناسزا شروع می کرد و شیش را با کمربند شوهرش به پایان می رساند و آرزوهایش در سینه اش برای همیشه ماند.

بنا بر اظهارات زن جوان ماجرا از این قرار است که زندگی زناشویی آن ها برپایه عشق و علاقه نبوده و تنها اجبار از سر بی کسی زن بوده است.

زن جوان همسر دوم شوهرش و نحوه آشنایی شان توسط یکی از بستگان دور بود. به گفته زن جوان، پدرش از کار افتاده و از نظر جسمانی و مالی خیلی ضعیف بود. به دلیل بیماری پدرش، دختر جوان روستایی تصمیم می گیرد با کارگری و وجین زمین های کشاورزی کمک حال خانواده باشد و سر این ماجرا روزی با همسر کهنسال و البته بدخلق و عصبی اش که فاصله سنی زیادی با پدرش نداشت، آشنا می شود.

صاحب کارش زمین های کشاورزی زیادی داشت، برای همین تعدادی کارگر زن برای او کار می کردند.

روزی صاحب کارش که مدتی از فوت زن اولش می گذشت با دختر جوان سر زمین آشنا می شود و از سر کارگش می خواهد درباره دختر جوان تحقیق کند و ببیند آیا پدرش راضی به ازدواج دخترش با وی می شود یا نه؟

پس از مدتی پدر دخترجوان به خاطر بیماری فوت می کند و او بیش از هر زمانی تنها می شود و تحت فشار مالی قرار می گیرد.

پیرمرد بعد از این ماجرا با انواع وعده و وعید دختر جوان را راضی به ازدواج می

کند و او وقتی اوضاع زندگی خود را می بیند از سر ناچاری که حداقل یک پناهگاه و سایه سر داشته باشد، تن به ازدواج می دهد اما نه تنها اوضاع زندگی اش بهتر نمی شود بلکه بر عکس با بی مهری و البته دست بزن شوهرش روزگارش بدتر از قبل می شود. زن جوان بعد از ازدواج علاوه بر کار خانه مجبور است سر زمین کشاورزی صبح تا غروب تلاش کند. پس از مدتی خود را در نقش مادر و صاحب یک فرزند می بیند و برای خراب نشدن آینده پسرش تن به هر ذلت و خواری می دهد. او می گوید: شوهر بداخلاقم من را با وجود یک بچه شیرخواره مجبور می کرد هر روز زیر آفتاب سوزان، زمین کشاورزی را وجین کنم و بعد از آن کارهای خانه را انجام بدهم و به دام ها رسیدگی کنم.

هر موقع که روی حرفش کوچک ترین حرفی می زدم من را با کمربند سیاه و کبود می کرد. چاره ای نداشتم، پدر و مادرم فوت کرده بودند و کسی را نداشتم که به او پناه ببرم برای همین مجبور بوم تمام خواسته های سخت شوهر پیرم را انجام دهم.

مدتی به این منوال پیش رفت تا این که روزی پسر خردسالم به شدت مریض شد و مجبور شدم در خانه بمانم و از او پرستاری کنم اما این موضوع به شدت همسر بداخلاقم را عصبانی کرد، برای همین وقتی به خانه آمد و دید من دراز کشیده ام چنان با چوب و به چایب افتاد که بدنم

سیاه و کبود شد و بعد از آن در اتاق من را زندانی کرد تا سر فرصت تسویه حساب کند.از شدت درد به خودم می پیچیدم تا این که در یک بزنگاه از خانه فرار کردم و به همسایه ام پناه بردم تا با کمک او تحت حمایت یک نهاد دولتی قرار بگیرم. با کمک زن همسایه پرسنل اورژانس اجتماعی به دادم رسیدند و من را تحت درمان قرار دادند. پس از مدتی از دست شوهرم شکایت کردم تا قانون هر چه زودتر من را از دستن نجات دهد و طلاقم را از او بگیرم و دنبال سرنوشتم بروم.

صدیقی– از سر کنجکاوی و تجربه موارد جدید در تله افتاد. سر مزه مزه کردن مواد در باتلاق دوستان ناباب هم دانشگاهی اش افتاد و با هر ساز آن ها خودش را سرگرم کرد تا این که در یک بزنگاه به جمع دوستان هپرونی خود پیوست. خواست با تحصیل در دانشگاه آینده اش را بسازد اما به جای کلاس

دانشگاه سر کلاس فضایی هانشتت و دودی شد. دختر دانشجو می گوید که اسیر کینه هم دانشگاهی اش شد و البته چوب مزه مزه کردنش را خورد و با دست فرمان دوستانش داخل لجنزار افیون افتاد. کنجکاو بود و مدام دوست داشت همه چیز حتی موارد ممنوعه را تجربه کند. در دوران دبیرستان لب به سیگار زد و شش هایش با دود مواد مخدر آشنا شد. ماجرای لب به سیگار

که سیگار اعصاب را آرام می کند اولین پک را می زند. در این میان دایی اش برخلاف پدر و مادرش که اهل هیچ ممنوعیت و خلافی نبودند، مدام نوشیدنی غیرمجاز مصرف و همین اتفاق دختر جوان را وسوسه می کند تا دایی اش را در این بیراهه همراهی کند. او نه تنها خواهرزاده خود را از کارهای نامشروع منع نمی کند بلکه برعکس مدام بر طبل وسوسه و تشویق دختر جوان می کوبد تا در پای بساط وی را همراهی کند.

کشف سیگار قاچاق در شیروان

جانشین فرمانده انتظامی شیروان از کشف بیش از هزار و ۲۸۰ نخ سیگار قاچاق در این شهرستان خبر داد.
سرهنک «محمد روهنا» گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر این که یک واحد صنعتی اقدام به فروش کالای قاچاق می کند، مراتب در دستور کار مأموران کلانتری ۱۲ شیروان قرار گرفت. وی افزود: باهماهنگی مقامقضایی واحدصنعی مذکورموردبازرسی قرار گرفت کهتعداد هزار و ۲۸۰نخ انواعسیگار قاچاق کشف و ضبط شد.وی با اشاره به این که در این خصوص یک متهم دستگیر شد، خاطر نشان کرد: متهم به همراه پروندهتشکیل شدهواقلامکشفهبرای اسیرمراحل قانونی به ادارهتجزیاتحکومتی معرفی شد.جانشین فرمانده انتظامی شهرستان شیروان تشدید مبارزه با قاچاق کالا را از اولویت های نیروی انتظامی بر شمر د.

مادر دختر جوان بی خبر از همه جامدام در پی تدارک مقدمات ورود او به دانشگاه است تا جگر گوشه اش آینده بهتری را برای خود بسازد غافل از این که دوستان دخترش برایش تدارک دیگری دیده اند. ماجرای سیگار کشیدن و مصرف نوشیدنی غیرمجاز دختر جوان ادامه می یابد تا این که وارد دانشگاه می شود.

در ۱۷ سالگی تحصیل در دانشگاه را به دیگر تجربیاتش اضافه می کند اما این تازه آغاز ماجراست و دوستان هپروتی او برایش تدارک آشی با یک وجب روغن را دیده اند!

بعد از ورود به دانشگاه با چند نفر که افکارشان شبیه یکدیگر است، دوست و بعد از آن وارد فاز تازه تجربه مصرف انواع مواد مخدر می شود. بعد از گذشت مدتی، روزی به دعوت آن ها برای شرکت در یک دورهمی در خانه مجردی شان جواب مثبت می دهد. آن ها با جنس مخالف دوست بودند و سر این قضیه در دام اعتیاد گرفتار می شوند. در دورهمی همکلاسی هایش که مصرف کننده انواع قرص های روان گردان و مواد افیونی بودند به دختر جوان مصرف ترامادول را پیشنهاد می دهند و سر رودریاستی و البته رو کم کتی دختر جوان دست شان را رد نمی کند و اولین قرص افیونی را مصرف می کند.

بعد از مصرف ترامادول خوشی کاذبی به دختر بی خبر از همه جا دست می دهد و مانند قلاب او را به سوی مصرف دیگر مواد می کشاند. دختر جوان می گوید:

زهرمار زندگی با مزه مزه کردن میوه ممنوعه

کمپ به جای دانشگاه

وقتی قرص را مصرف کردم بعد از گذشت مدتی سرم داغ و تمام فکر و خیالات از من دور شد. وقتی به خانه برگشتم خوشی کاذبی به من دست دادو به خواب عمیقی فرورفتم. روز بعد به خاطر لذت اولیه دوباره وسوسه شدم و سراغ هم دانشگاهی ام رفتم و با گرفتن چند قرص دیگر به خانه برگشتم. دختر دانشجو بعد از این اتفاق کم کم در دام افیون گرفتار و زمانی متوجه عمق دردناک موضوع می شود که بدنش به قرص های مواد مخدر عادت کرده است. دوستان هپروتی اش تا قبل از این واقعه مدام انواع قرص ها را به بهانه های واهی به شکل رایگان در اختیار دختر جوان می گذاشتند اما بعد از اعتیاد او دیگر نه تنها از تعارف خبری نبود بلکه با قیمت های نامتعارف قرص ها را در اختیار دوست

دختر جوان که در تله دوستان ناخلف اش گرفتار شده است دیگر راه بازگشتی را برای خودش متصور نمی شود و ماجرای اعتیادش را از خانواده پنهان می کند تا مبادا آبرویش نزد آن ها و در دانشگاه برود.

مادرش کمی به رفتارهای عجیب و غریب او مشکوک می شود اما به خیال این که درسش سنگین و حساس است زیاد به این اتفاق توجه نمی کند و او را به حال خودش می گذارد.

پدر دختر دانشجو که کارمند و سر به زیر است مانند همسرش نسبت به رفتارهای غیر طبیعی دخترش کنجکاو نمی شود

واژگونی تراکتور

مرگ راننده ۵۰ ساله را ر قم زد

فرمانده انتظامی مانه و سملقان از واژگونی تراکتور و مرگ راننده آن در روستای بیار این شهرستان خبر داد.
«علی حسین رختیانی» گفت: راننده ۵۰ ساله تراکتور که در حال حرکت از سربالایی نامواری بود، ناگهان کنترل خود را از دست داد، به عقب برگشت و واژگون شد و متأسفانه بر اثر این حادثه جان خود را از دست داد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی			
برابر رای شماره ۷۸-۹۹ مورخ ۹۱/۰۱/۲۵ هیات به شماره کلاسه ۳۷۸-۹۷موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنوردتصرفات مالکانه بلا معارضی متقاضی آقای حسینی فرزند نجف قلی بشماره شناسنامه ۳۱۲۷۸ در یکپاک ساختمان به مساحت ۱۶۳ مترمربع از پلاک ۱۸۱۷ فرعی از ۱۲۹ اصلی واقع در اراضی ملکش بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای محمد قلی و مریم و رضیه و مرثیه شهرت همگی حیدرزاده محرزگردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،طرف مدت یکم ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۳/۰۲	م آلف ۱۵-۵۱	احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی			
برابر رای شماره ۲۱۰-۹۹ مورخ ۹۱/۰۲/۲۲ هیات به شماره کلاسه ۳۶۱-۹۷موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنوردتصرفات مالکانه بلا معارضی متقاضی آقای یعقوب نوروزی فرزند نورمحمد بشماره شناسنامه ۷۳۰ در یکپاک منزل به مساحت ۱۸۹ مترمربع از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در اراضی پبله زار بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی شهرداری بجنورد محرزگردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،طرف مدت یکم ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲	م آلف ۱۵-۵۱	احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی			
برابر رای شماره ۲۱۰-۹۹ مورخ ۹۱/۰۲/۲۲ هیات به شماره کلاسه ۳۶۱-۹۷موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنوردتصرفات مالکانه بلا معارضی متقاضی آقای یعقوب نوروزی فرزند نورمحمد بشماره شناسنامه ۷۳۰ در یکپاک منزل به مساحت ۱۸۹ مترمربع از پلاک ۹۰۷ فرعی از ۱۶۳ اصلی واقع در اراضی پبله زار بخش دو بجنورد خریداری از مالک رسمی شهرداری بجنورد محرزگردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ،طرف مدت یکم ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورو عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲	م آلف ۱۵-۵۱	احمد اصغری شیروان – رئیس ثبت اسناد و املاک

فراخوان تجدید نوبت دوم مناقصه عمومی

یک مرحله ای (نوبت اول)

شرکت شهرکهای صنعتی خراسان شمالی درنظر دارد پیمان موضوع «آبرسانی به ناحیه صنعتی راز و

جرگلان» را از طریق مناقصه عمومی یک مرحلهای به پیمانکاران رتبه آب (کلیه پایپها) معتبر از سازمان

مدیریت و برنامه ریزی واگذار نماید. لذا در صورت تمایل جهت دریافت و تکمیل اسناد مناقصه به سامانه

تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نموده و طبق برنامه زمان بندی ذیل اقدام نمایید.

■ **مبلغ برآورد مناقصه: ۵,۳۵۱,۷۹۸,۴۳۸ ریال**

■ **مبلغ و نوع ضمانتنامه : ۲۶۷,۶۰۰,۰۰۰ ریال (دویست و شصت و هفت میلیون و ششصد هزار ریال)**

مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی.

■ **آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران: ساعت ۱۷روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۹.**

■ **آخرین مهلت ارسال پاکات مناقصه و پیشنهاد قیمت در سامانه: ساعت ۱۷ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۹.**

■ **بازگشایی اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت: ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۱.**

شرکت شهرک های صنعتی خراسان شمالی

۸۸۶۹۰۵/م آلف

۹۹۰۲۰۲۶۲/و

محمداسماعیل فرمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فاروج

۱۴۲۷/م آلف

۹۹۰۲۰۱۳۲/و